

پوشاک مردم استان اصفهان

مهنز قاسمی*

«قسمت اول»

جامعه، همه اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی و حتی ظواهر خود از جمله پوشاک را با آن موازین هماهنگ می‌کنند. خط مشی و دستورات اسلام در مورد پوشاک افراد به خصوص جامعه نسوان کاملاً مشخص است، از این‌رو بانوان مسلمان ایرانی مطابق با روش زیر لباس می‌پوشیدند:

- لباس پوشیده و بلند، تا حدی که به پشت پایشان می‌رسید.

- جلو پیراهن آنان با دکمه بسته می‌شده و در اغلب موارد تا یقه ادامه داشته است.

- عموماً آن دسته از زنان اصفهانی که در جوامع کوچک و به صورت سنتی زندگی کرده و می‌کنند، به جای روسری یا مقنعه، از چارقد یا لچک برای پوشش موهای سر استفاده می‌کنند. لباسشان نیز راحت و گشاد است.

- پوشاک اغلب آقایان کاملاً پوشیده و سنگین بوده و هست. قد پیراهن و آستین‌های آن بلند و یقه آنها دکمه‌دار و شلوارها راحت و گشاد می‌باشد.

در گذشته مردان بدون کلاه و سر بند به ندرت دیده می‌شدند، زیرا بسی کلاهی عار بوده و کاکل‌نمایی، نوعی سبکسری تلقی می‌شده است. به هر حال، شکل کلی پوشاک مردم استان اصفهان امروزه و به خصوص در گذشته به نحوی بوده و هست که در کل جامعه، نظام رفتاری و اخلاقی را خدشه‌دار نمی‌ساخت.

در مقاطع گوناگون زمان، گروههای قومی مختلف ساکن گوشه و کنار کشور، بنا به شرایط و خصوصیات اقلیمی، آداب و رسوم، سنتها و باورهای کهن خود، پوشش‌های مختلفی را بر تن نموده‌اند.

از آنجایی که فرهنگ هر قوم در بر دارنده ارزشها، سنن، عقاید، آداب و رسوم و... حتی باورهای یک جامعه است، طبعاً پوشاک نیز با توجه به رسوم مختلف و تفاوتهایی که میان اقوام مختلف وجود دارد، جزئی از فرهنگ هر جامعه به شمار می‌رود و همواره بخشی از فرهنگ جوامع مختلف یک سرزمین، با گوناگونی لباسها متجلی می‌شود. پوشاک و لباس در اصل مشخص‌کننده شخصیت و هویت مردم هر سرزمین و نشانه‌ای از پابندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم منطقه خود محسوب می‌شود. هر ملت وظیفه دارد در نگهداری، حفظ و سپردن نام و مشخصات اجزای این گنجینه پر بها به نسل‌های بعدی، تمامی سعی و تلاش خود را به کار بندد تا بر اثر گذشت زمان، عناصر با ارزش فرهنگ به فراموشی سپرده نشود. در شکل‌گیری و ترکیب پوشاک سنتی استان اصفهان عوامل عمده زیر دخالت داشته و دارند:

۱- مذهب

مردم شهرها، روستاها و عشایر استان معتقد به دین مبین اسلام هستند و به اصول و مبانی آن سخت پابند می‌باشند. به طوری که هر یک از آحاد

* - کارشناس حفظ میراث فرهنگی

۲- شرایط و عوامل طبیعی و فیزیکی

عمده‌ترین جنبه کاربردی پوشاک، علاوه بر بعد مذهبی و پوششی آن، حفاظت تن در مقابل عوارض آب و هوایی و نیز خطرات و ضربه‌ها و تماس‌های ناشی از فعالیت‌های روزمره است. لذا پوشاک بومی به لحاظ کاربرد آنها، معمولاً ساده و بی‌پیرایه هستند. مثلاً کشاورزان جهت مصون ماندن مچ دست و پا از ضربات داس، از پاکش (ساق‌بند) و مچ‌پیچ استفاده می‌کنند و یا چوپانان از پاکش (جهت مصون ماندن پا از خطر نیش گزندگان) و عبانمد (به این دلیل که در مقابل باد و خاک و باران و برف و سرما، حتی تابش شدید نور خورشید در امان باشند.) استفاده می‌کنند.

۳- شیوه معیشت و فعالیت‌های جنبی تولید

در این بررسی مشخص گردید معیشت مسلط جامعه، دو نوع تأثیر کاربردی روی پوشاک ساکنان هر منطقه دارد. اولاً بیشتر مواد اولیه‌ای که در پوشاک سنتی منطقه به کار می‌رود از تولیدات محلی تأمین می‌شود، ثانیاً نوع فعالیت مردم، پوشاک ویژه‌ای را اقتضا می‌نماید. لذا معیشت، هم در کیفیت پوشاک مردم استان تأثیر گذاشته و هم در شکل ظاهری و در تعداد قطعات آن مؤثر واقع شده است. از این‌رو مردمی که شیوه مسلط معیشت آنها دامداری است، مواد اولیه و اصلی پوشاک آنها را پشم تشکیل می‌دهد (پشم به صورت چیده و ریسیده و تاییده و بافته شده یا به صورت پوست و پوستین و یا پشم‌های درهم تنیده به صورت لباس‌های نم‌دین). در گذشته نه چندان دور، عمده پوشاک مردم در محل تولید می‌گردید (بجز آن دسته از افراد که به علت رفت و آمد زیاد به شهر و تأثیرپذیری از فرهنگ شهرنشینی، ترجیحاً بعضی از پوشاک‌ها مانند کت و پالتو، کفش یا کلاه و... را از سایر مناطق تهیه می‌کردند). کیفیت پوشاک مردان و مواد آنها غالباً در ارتباط با نوع معیشت و حاصل از آن بوده است، ولی در مورد پوشاک زنان، معمولاً چنین نبوده و بخشی از درآمد خانواده صرف خریدن پارچه برای پوشاک زنان می‌شده است. همین مقوله نیز یکی از عوامل ابتدایی برای ایجاد ارتباط بین گروه‌های قومی منزوی با مراکز اقتصادی و تجاری نزدیک آن بوده است.

۴- منزلت‌های اجتماعی

همان‌گونه که تنوع پوشاک مناطق گوناگون به منزله علامت و نشانه خاص برای معرفی اقوام مختلف است، جنس و رنگ و شکل لباس و زیورها و ضمائم آن‌هم به پوشنده لباس منزلت اجتماعی ویژه‌ای می‌بخشد. در پوشش زنان، به خصوص در قشر نسبتاً مرفه به ظرافت‌ها، زیبایی‌ها و تزیینات توجه زیادی می‌شود. پارچه‌های زری و ابریشمی و مخمل‌های رنگی، یراق‌های پهن و سکه‌های قدیمی، دامن‌های پرچین، نوارهای پهن و تزیینی و از جمله آنها، گاهی اوقات هم سرآستین پیراهن، کلاه‌ها، کمری‌ها و پایین دامن‌ها را سوزن‌دوزی کرده و با سرانگشتان خلاق خود، نقش‌های فراوانی می‌آفرینند که در مجموع پوشاک زنان را به صورت مجموعه‌ای هماهنگ در می‌آورد و وقار خاصی به زنان می‌بخشد. زنان طبقات مختلف، سابقاً از لحاظ نوع پارچه‌ای که در لباس آنها به کار می‌رفت، متمایز می‌شدند، اما امروزه این اختلاف نیز کم و بیش از بین رفته و فقط از روی نوع برش و دوخت جامه آنها، می‌توان درباره طبقات اجتماعی افراد حدس و گمان زد. در انتخاب رنگ‌ها نیز تحولی صورت گرفته است؛ مثلاً زنان دهقان و ایل‌نشین، رنگ‌های شفاف، روشن و پرزرق و برق را بیشتر می‌پسندند، اما شهری‌ها به رنگ‌های تیره‌تر رغبت داشته و رنگ مشکی عموماً لباس تجملی و مخصوص مهمانی آنهاست. (هنوز هم در میان روستاییان و خصوصاً مردم ایلات ساکن در استان، شیوه‌های قدیم پوشش و آرایش را می‌توان دید).

کسب منزلت اجتماعی از طریق پوشاک در بین مردان نیز وجود دارد. ضمن اینکه هر قطعه‌ای از پوشاک ممکن است بیانگر قشر و طبقه و سطح رفاه و تحول خاصی باشد، می‌تواند بیانگر میزان دانش، سفر و زیارت به حساب آید.^۱ مثلاً اهالی استان در این بررسی از پالتوی ماهوتی و سردری (سرداری) یاد کردند که اربابان و مالکان در فصول سرد هنگام

۱- عبدالحسین سعیدیان، مردمان ایران (مردم‌شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی)، انتشارات علم و زندگی، چاپخانه خواجه، ۱۳۷۵، ص ۶۹ تا ۷۲ همراه با برداشتهای شخصی.



نمونه لباس زنان و مردان مسن روستایی

فراوان با خانواده‌های شهری و روستایی فراهم و چهارچوب تحقیق شکل گرفت. همچنین در تهیه مطالب لازم این مجموعه، به مراکز علمی کشور و کتابخانه‌های متعدد مراجعه شده که به علت قلت و یا فقدان منابع در مورد این تحقیق، بیشتر مطالب نوشته شده بر اساس اطلاعاتی است که در شهرها و روستاهای مورد مطالعه حاصل گردید.

بعد از مشاهده و مصاحبه، استخراج موضوعات مورد نظر صورت گرفت که در هنگام استخراج و طبقه‌بندی مطالب نیز، مشاهدات محلی در تهیه و تنظیم این دو مجموعه تأثیر بسزایی داشته است. همچنین در ارائه مشخصات پوشاک، نکات و اصطلاحات خاص ذکر شده عیناً به روایت اهالی و بر اساس نشانه‌های آوانویسی و واژه‌های محلی، آوانگاری شده است.

مردم‌نگاری پوشاک استان اصفهان در بخشهای زیر خلاصه می‌شود:

ظاهرشدن در کوچه و بازار به تنهایی یا به روی قبا می‌پوشیدند یا اشخاص مسن و متدین استان، عبا به‌دوش انداخته و تشخیص خود را به این صورت نمایان می‌ساختند. در مجموع پوشاک متداول در این استان، به پیروی از شرایط اقلیمی و نحوه زندگی مردم این مرز و بوم شکل گرفته و دارای ویژگیهای خاصی بود که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌شود:

- داشتن قطعات متعدد، اما راحت در پوشش، به‌گونه‌ای که هیچ مزاحمتی در انجام کارهای روزمره ایجاد نشود.

- سادگی و زیبایی خاص در قطعات مختلف پوشاک.

- داشتن تجانس کامل با فرهنگ جامعه بویژه با محل سکونت.

- تهیه اکثر مواد اولیه آن در خود منطقه.

مختصری درباره این مطالعه

طرح مطالعه «مردم‌نگاری پوشاک مردم استان اصفهان» از اواسط سال ۱۳۷۵ به‌صورت نمونه‌گیری از ۲۰ نقطه شهری و روستایی آغاز و به ۱۵ شهرستان از ۱۷ شهرستان استان اختصاص یافت. نقاط مورد بررسی بر حسب شرایط اقلیمی و جغرافیایی در جوامع شهری، روستایی و ایلی، در گروههای قومی، مذهبی و شغلی انتخاب شده که جهت پرهیز از اطاله کلام مشخصات هر یک در جداولی تحت عنوان «جدول مشخصات نقاط مورد بررسی استان اصفهان» آورده شده است.

متذکر می‌شود این پژوهش در دو جلد تهیه شده: جلد اول تحت عنوان «پوشاک مردم استان اصفهان» و جلد دوم آن تحت عنوان «پوشاک آرامنه استان اصفهان» که در آن، پوشاک اهالی روستای زرنه از توابع شهرستان فریدن و پوشاک اهالی جلفا، یکی از محلات شهر اصفهان آمده است.

در تهیه مطالب این دو مجموعه، روش کار بر اساس انجام مصاحبه، پرسشگری و مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. با مشاهدات محلی که طی چندین سفر به شهرها و روستاهای استان به‌عمل آمد، اطلاعات لازم برای شناخت پوشاک مردم استان همراه با مصاحبه و پرسشگریهای

فصل ۵- پوشاک نوزاد

(مجموعه کامل لباس نوزاد)

فصل ۶- پوشاک مورد استفاده در مراسم

فصل ۷- لباس کار و پیشه

فصل ۸- مشاغل گوناگون و رابطه آنها با هر یک از اجزای مختلف پوشاک و توضیح مختصر ابزاری آنها.

فصل ۹- ضرب‌المثل‌ها و رابطه آنها با هر یک از اجزای مختلف پوشاک.

فصل ۱۰- باورها و اعتقادات مردم درباره پوشاک.

پوشاک زنان

۱- سرپوش

زنان درون منزل و خارج از آن برای حفظ حجاب سر و صورت خود از پوشش‌های خاصی مانند کلاه، چارقد، روسری، پیشانی‌بند و روبند استفاده می‌کردند که هنوز هم تعدادی از آنها در اشکال زیر رایج است.

۱-۱. کلاه

بانوان منطقه مورد بررسی، جهت زیبایی بیشتر کلاه می‌گذاشتند و بعد از آن پوشش‌های دیگر را به روی سر و صورت می‌افزودند.

کلاه مورد استفاده زنان در دو شکل متفاوت، عبارت است از:

- ۱- کلاه گرد ساده
- ۲- کلاه‌های نیمه مکعبی

کلاه‌های گرد ساده؛ عبارت است از سرپوشی عرقچین‌مانند از جنس مخمل، قلمکار، چلوار، کرباس، متقال. این کلاه در اصطلاح محلی، عرقچین نام داشت.

عرقچین‌های بانوان مسن بدون تزیین از پارچه‌های متقال، کرباس، چلوار و عرقچین‌های مورد استفاده بانوان جوان و عروس از جنس قلمکار و مخمل به رنگ‌های سبز، قرمز، صورتی و سفید بوده و دورتادور این سرپوش را نوارهای الوان و سکه‌های یک‌ریالی می‌دوختند. زمان استفاده از این کلاه را به هفتاد و برخی به پنجاه سال پیش نسبت می‌دهند.



تزیینات کلاه بانوان ایلایاتی (ملیله‌ای، طاقی، کله‌قندی)

فصل ۱- پوشاک زنان

۱- سرپوش: کلاه، چارقد، روسری، چادر، پیشانی‌بند، روبند.

۲- تن‌پوش: پیراهن، جلیقه، کت، شال، شلوار.

۳- پاپوش: جوراب، کفش، دمپایی، چاقچور.

فصل ۲- نوع آرایش و زیورها

(آرایش مو و صورت، زیورآلات)

فصل ۳- پوشاک مردان

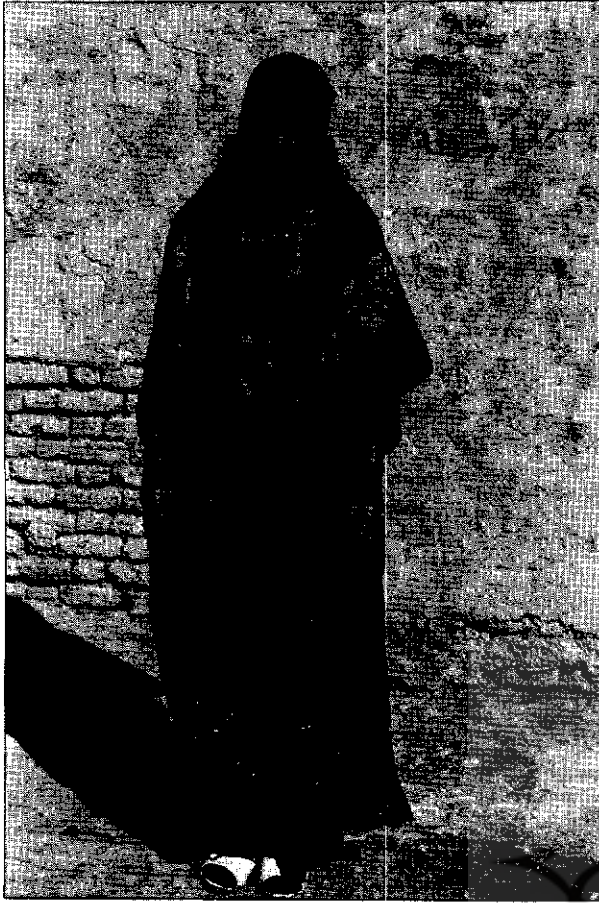
۱- سرپوش: کلاه، عرقچین، عمامه، پیشانی‌بند، سایبان (هنگام کار).

۲- تن‌پوش: پیراهن، قبا، آرخالق، چوقا، کت و پالتو، تن‌پوش‌های نم‌دو، سرداری، پوستین، عبا، جلیقه، شلوار، شال کمر، کمربند، دستکش، مچ‌بند.

۳- پاپوش: جوراب، کفش، دمپایی، مچ‌پیچ، ساق‌بند.

فصل ۴- پوشاک کودکان:

(دختران و پسران)



نحوه استفاده از روسری روی کلاخچه

به این ترتیب که روسری را به صورت سه گوش روی سر انداخته و دو سر آن را زیر چانه گره می زنند. بانوان قشقایی روسری خود را به صورت چهارگوش استفاده می کنند، به این صورت که بخش جلویی روسری خود را که در اصطلاح محلی به آن لچک می گویند، به وسعت پیشانی (قسمتی که بالای رستگاه موقرار گرفته) به شکل نیم دایره متمایل به سه گوش در آورده و آن را روی فرق سر گذاشته و گوشه های لچک را از دو طرف به هم رسانده و در زیر گلو سنجاق می زنند. روسریها به صورت آماده در طرحها و رنگهای متنوع از بازار شهرها خریداری می شود.

۱-۴. چادر

زنان به روی همه لباسهای خود حجاب بلندی می پوشند که سرتاسر بدن آنها را مستور می کند. کتاره های چادر با دست یا چرخ خیاطی

کلاههای نیمه مکعبی؛ عبارت است از سرپوشی به شکل نیمه مکعبی که با پارچه های مختلف مخمل، ساتن - زری دوخته می شد و همواره زنان ایلات (قشقای - بختیاری) ساکن استان از آنها استفاده می کردند. تزیینات این سرپوش متنوع بود و علاوه بر نواردوزیهای الوان، با منجوق های رنگارنگ شاد، نقش های زیبایی بر آنها می دوختند. همچنین در قسمتهای حاشیه جلویی کلاه عروس، علاوه بر موارد فوق سکه های یک ریالی هم می دوزند. نام این کلاه در اصطلاح محلی به صورتهای کلاخچه (kolaxce) - لچک (lacak) - بورک (bork) تلفظ می شود. لازم به ذکر است هر دو کلاه فوق آستر دار بوده و معمولاً بندی در طرفین آن دوخته شده بود که در زیر گلو به هم گره می خورد.

۲-۱. چارقد

زنان در اغلب روستاها و شهرهای سنتی، پارچه نخی مربع شکل نسبتاً بزرگی را دولا کرده و به شکل مثلث بر سر می کنند. زنان هنگام سرکردن چارقد، وسط قاعده سه گوش را روی فرق سر گذاشته و دو طرف آن را در زیر چانه به هم رسانده و سنجاق می زنند، به طوری که فقط چانه، پیشانی و قسمتی از موهای جلوی سر نمایان است. این نوع چارقد از زمان قاجار تاکنون در میان زنان مرسوم است ولی گروه سنی جوان از آن پیروی نمی کنند. چارقد بیشتر از پارچه های سفید، گلدار و راه راه انتخاب می شود که جنس آنها وال، ململ، چیت گلدار، کرباس میل میلی (راه راه قرمز، مشکی، زرد)، حریر، ابریشم، کتان، تور، و الیاف مصنوعی الوان است. در گذشته این سرپوش به روی کلاه پوشیده شده و تزیین خاصی نداشته، فقط در بعضی نقاط در حاشیه ها به نوار دوزی اکتفا می شده است.

۳-۱. روسری

عبارت است از پارچه مربع شکلی که پس از سه گوش کردن، آن را برای پوشانیدن موها به تنهایی یا روی کلاه به سر می کنند. از این سرپوش امروزه گروه سنی جوان به جای چارقد استفاده می کنند.

چادرهای کمري، مورد استفاده گروه سني جوان قرار مي گيرفت.

(ب) مدل شصتي يا انگشتي^۲
عبارت است از چادرهاي کرباسي به شکل مربع که طرحي چهارخانه داشت و زنان مسن از آن استفاده مي کردند.

(پ) مدل مستطيلي
چادر کرباسي هاي مستطيلي عبارت اند از: چهارتخته مستطيل شکل از پارچه کرباس با طرح چهارخانه يا راه راه، که سه درز اين چهارتخته را در طول به هم وصل مي کرد، منتها درز دوم را پهن تر مي گرفتند. هنگام سرکردن وسط چادر را روي سر انداخته و درز دوم را که پهن تر دوخته اند، با يک دست گرفته و با دست ديگر روي خود را مي گرفتند. چادر کرباسي هاي مستطيلي شکل مورد استفاده بانوان مسن بود.

چادر عبائي

زنان از پارچه هاي پشمي و ديبت به رنگ مشکي چادر عبائي مي دوختند. اين چادر از پارچه مستطيل شکل تهيه مي شد. جهت دوخت، پارچه را به اندازه قد بريده، سپس بعد از سرکردن، دو گوشه جلوبي را به سمت کمر مي آوردند و با بندي که به کمر بسته مي شد محکم و استوار بر تن مي ايستاد. چادر عبائي را بانوان طبقه مرفه بر سر مي کردند. خانم هاي علاقه مند به زيبائي و مد، معمولاً جلوي دامن اين مدل چادر را گلدوزي مي کردند.

چادر چرخي

عبارت است از چادر نيم دايره تیکه داري معروف به چادر نماز که در گذشته براي مجالس مهماني و رفت و آمد در مسيرهاي دور در صورت توانايي از چادرهاي چرخي با جنس چيت گلداز (زمينه مشکي با گلهاي ريز رنگي) و گذري استفاده کرده و

۲- اين نام جهت تفکيک چادرها از طرف نگارنده انتخاب شده است.



چادر کرباسي مستطيلي (چاچب / چاچو)

دوخته شده تا به اين ترتيب داخل چادر تميز و زيبا به نظر برسد. در گذشته زنان چادرهاي دست دوز را نسبت به چادرهايي که با چرخ خياطي دوخته مي شد ترجيح مي دادند.

انواع و اقسام چادر مورد استفاده زنان

زنان چادرهاي کرباسي را در سه مدل کمري، شصتي يا انگشتي و مستطيلي در طرحهاي متفاوت چهارخانه ريز و درشت و راه راه مي دوختند.

(الف) مدل کمري

عبارت بود از چادرهاي کرباسي به شکل مربع- مستطيل که طرحي چهارخانه داشت. طرفين چادر را از پايين تا روي شکم مي دوختند، سپس دو بند از قسمت داخل در طرفين کمر (بعد از محل دوخته شدن) وصل و دو سر آن را آزاد مي گذاشتند و هنگام استفاده، بندها را از روي شکم به صورت چپ و راستي به پشت مي بردند و گره مي زدند.

در غیر این صورت از چادرهای کرباسی که شرح آنها رفت استفاده می‌کردند.

این مدل چادر از اواخر دوره قاجار رایج شد. زنان طبقات مختلف از لحاظ نوع پارچه‌ای که برای دوخت چادر چرخی به کار می‌رفت شناخته می‌شدند.

۱-۵. پیشانی‌بند

دستمال چهارگوشی است که کاربرد آن بیشتر به سبب پیشگیری از سرما و زینت بوده و به دو صورت به کار می‌رفت:

الف: بانوان ایلات ساکن در استان، دستمال چهارگوشی را به صورت نوار تا زده و روی پیشانی و چارقد گذاشته و در پشت سر گره می‌زنند.

ب: دستمال چهارگوشی را سه گوش کرده و روی چارقد و سر گذاشته، سپس دو طرف دستمال را در پشت سر چپ و راستی کرده و به طرف پیشانی آورده و به صورت ضربدری یک گره برجسته روی پیشانی زده و بعد باقی مانده دو سر دستمال را در عقب سر فرو می‌بردند. این نحوه استفاده در بین بانوان نواحی کویری (نایین) مرسوم بوده است.

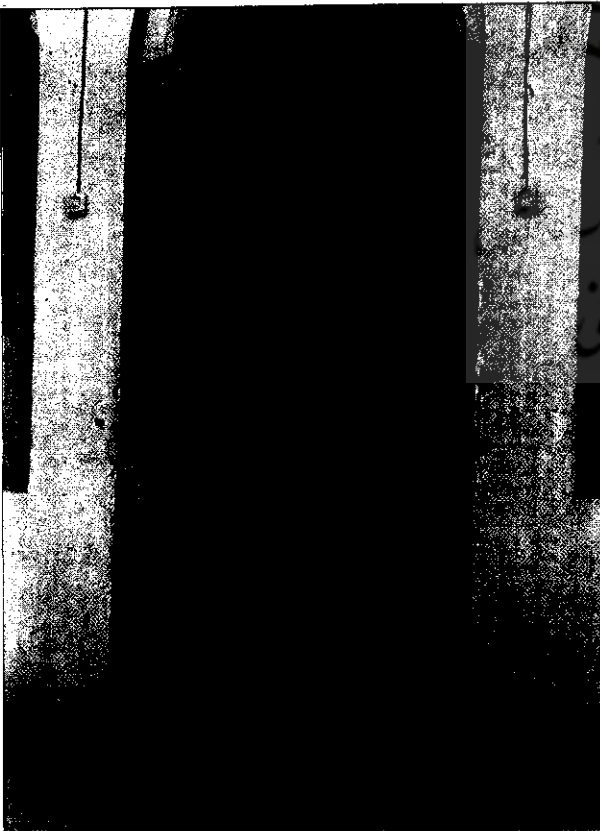
رویند: رویند را زنان در بیرون از منزل برای پوشانیدن صورت خود به کار برده و می‌برند. رویند با دو نوع کاربرد عبارت بود از: دستمال چهارگوشی از پارچه‌های حریر، تور، ابریشم و چیت گلدار به رنگهای شاد قرمز و صورتی و به خصوص سبز (سبز به دلیل شگون و بردن سبزی و خرمی به خانه داماد) که هنگام بردن عروس به خانه داماد، به روی همه سرپوشهای عروس پوشیده می‌شود.

نوع دیگر رویند، پارچه نخی چهارگوش سفید کم عرضی که بلندی آن اکثراً به یک متر رسیده و آن را زیر چانه می‌بستند ولی در بعضی نقاط فقط تا زیر سینه را می‌پوشاند. در این پوشش، شکافی افقی جلوی چشم باز کرده و آن را توردوزی می‌کردند.

نقاب: بعد از رویند، متداول شد و آن پارچه مشکی نازکی بود که از بالای پیشانی تا زیر چانه را می‌پوشاند. از نقاب بانوان جوان طبقه مرفه (به خصوص در غرب استان) استفاده می‌کردند.



↑ نمونه چادر شصتی نمونه چادر مستطیلی کرباسی ↓



۲- تن پوش

در گذشته پارچه لباس را از کرباسهایی که خود می‌بافتند تهیه می‌کردند. اما بعدها چیت، متقال و فاستونی را از پارچه‌فروشی‌ها خریداری می‌کردند. جوانان پارچه‌های الوان طرح‌داری را که رنگهای سبز، قرمز، صورتی، سفید، زرد و... داشتند بیشتر می‌پسندیدند. اما خانمهای مسن و پیر، اکثراً از پارچه‌هایی به رنگ قهوه‌ای، آبی، زرشکی و مشکی لباس می‌دوختند.

اغلب زنان در گذشته علاوه بر تنظیم امور خانه، کلیه تن‌پوش‌های خود و دیگر اعضای خانواده را می‌دوختند. برای اندازه‌گیری و برش لباسهای زنانه و مردانه تا سال ۱۳۰۰ ه. ش از وجبه‌های دست استفاده می‌کردند. در این برش‌ها هیچ‌گونه ابزار دیگری برای اندازه‌گیری بدن و تهیه الگو در اختیار زنان نبود. همچنین به علت عدم دسترسی همگان به چرخ خیاطی بیشتر لباسها با دست بخیه می‌خورد. برای اتوی دامن‌های چین‌دار، زنان به منظور مشخص نمودن چین‌ها، شب‌ها، پارچه دامن را نم زده، آن را روی سنگ بزرگی پهن می‌کردند و صبح روز بعد پس از خشک شدن، آن را به تن می‌نمودند (زیرا بنا به اظهار مصاحبه‌شوندگان، در گذشته افراد اغلب یک‌دست لباس داشتند) به این روش چین‌های دامن زیباتر به نظر می‌رسید.

امروزه تعداد کسانی که مانند پنجاه سال پیش لباس بپوشند بسیار کم است. دخترهای جوان کم‌کم تغییرات مهمی در وضع پوشاک خود داده‌اند و البسه متداول در کل کشور را به تن می‌کنند. بنابراین بسیاری از لباسهای قدیمی منسوخ شده و به جای آنها لباسهای جدید و از جمله شلوارهای جین، تی شرت و... عمومیت یافته است و دو تیپ تن‌پوش کاملاً متفاوت بر تن زنان سالمند و جوان جلوه‌گری می‌نماید.

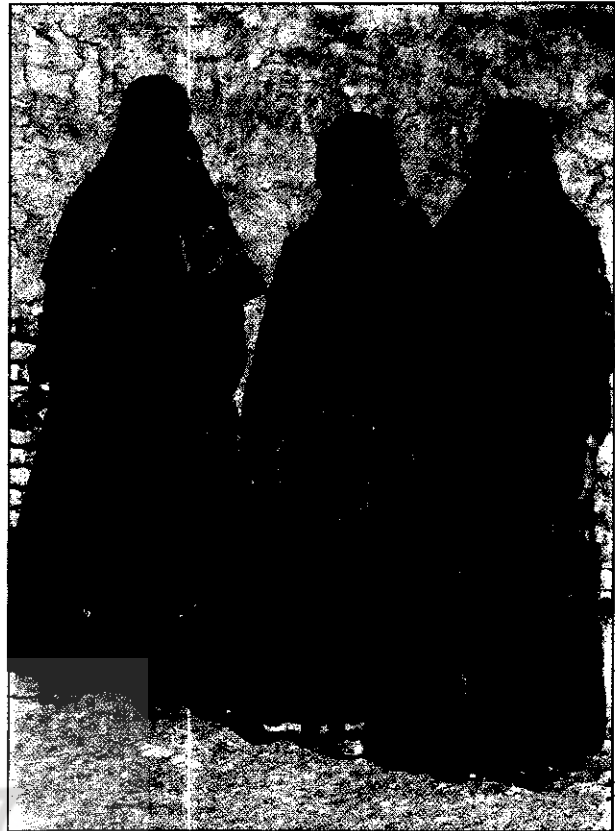
انواع تن‌پوش زنان در سطح استان عبارت بود از:
۲-۱. پیراهن (انواع پیراهن‌های بلند و کوتاه به همراه دامن‌های مورد استفاده هر یک)

۲-۲. جلیقه

۲-۳. کت

۲-۴. شلوار

۲-۵. شال کمر



پیراهن جووکلوشی زنان جوان و زنان مسن



۲-۱. پیراهن

پیراهن بانوان اصفهان از گذشته تاکنون در دو شکل متفاوت عبارت‌اند از:

الف) پیراهن‌های بلند.

ب) پیراهن‌های کوتاه به همراه دامن‌های مورد استفاده.

متداولترین پیراهن‌های بلند زنان به قرار زیر است:

۱- پیراهن کمرچین یا دورچین

۲- پیراهن پاچین

۳- پیراهن چین چینی

۴- پیراهن ترکی یا راسته و آریب

پیراهن کمرچین یا دورچین

تن‌پوشی است دورچین، که قد بالاتنه آن به کمر می‌رسد. یقه این لباس گرد، همراه با برگردان کوچکی جهت زینت و گاه بدون برگردان است. در قسمت بالاتنه از وسط سینه تا نزدیکی‌های ناف دارای سجافی است که معمولاً با سه یا چهار دکمه باز و بسته می‌شود.

آستین‌های این لباس بلند و ساده و گاه سر آستین‌ها مچی یا کش دوخته می‌شود. دامن این تن‌پوش چند برابر بالاتنه عرض دارد که با چین‌های سوزنی، کش و بعضی مواقع پیلی به بالاتنه وصل می‌شود.

قد پیراهن تا زیر زانو است که معمولاً شلواری مشکی از جنس دبیت زیر آن می‌پوشند. این شکل پیراهن از پنجاه سال پیش تاکنون رایج بوده و هم‌اکنون نیز بر تن اکثر بانوان مسن دیده می‌شود.

پیراهن پاچین

تن‌پوش زنانه‌ای است که مشابه پیراهن کمرچین دوخته می‌شود. تفاوت آن با پیراهن کمرچین، در انتهای دامن این تن‌پوش است. در این مدل لباس، تکه‌ای جداگانه (۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر) که معمولاً چندین برابر دامن عرض داشته را چین یا پیلی داده و به پایین دامن می‌دوختند. قد این پیراهن تا زیر زانو بوده که معمولاً شلواری مشکی از جنس دبیت یا جوراب زیر آن پوشیده می‌شود.

این شکل پیراهن از پنجاه سال پیش تا چندی قبل برای بانوان جوان و عروس‌ها دوخته می‌شده است.



نمونه پیراهن راسته چاک‌دار با تمون‌تری

پیراهن چین چینی

تن‌پوش زنانه‌ای است که از دو قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود:

بالاتنه: بلندی بالاتنه به بالای سینه می‌رسد. یقه گرد و ساده است و سجافی از زیر گلو تا بالای سینه دارد که با یک الی دو دکمه باز و بسته می‌شود.

دامن: دامن دورچین این تن‌پوش به بالاتنه وصل و تا زیر زانو را می‌پوشاند. انتهای دامن لباس، تکه‌ای جداگانه که معمولاً چند برابر دامن عرض داشته را چین داده و به پایین دامن می‌دوختند.

قد پیراهن تا زیر زانو بوده که معمولاً شلواری مشکی به زیر آن می‌پوشیدند. لازم به ذکر است برای این پیراهن جهت زیبایی بیشتر، کمربندی از جنس خود پارچه تهیه شده و به دور کمر گره زده می‌شود.

این شکل تن‌پوش از پنجاه سال پیش تاکنون رایج بود، و در گذشته بر تن پیر و جوان و هم‌اکنون بر تن اکثر بانوان مسن مشاهده می‌شود.



لباس عشایر قشقایی ساکن منطقه سمیرم

چاک از پهلو تا روی قوزک پا، با آستین‌های بلند و ساده با سر آستین‌های کش‌دار یا مچی‌دار که برای دوخت آن حدود چهارمتر پارچه لازم است. یقه این پیراهن هفت یا گرد و یا به صورت یقه‌های امروزی یقه‌دلبری یا خشتی می‌باشد. قد پیراهن‌ها تا روی قوزک پا بوده که دامن‌های پرچین بلند معروف به تمون (tomon) زیر آن پوشیده می‌شود.

این شکل پیراهن از گذشته‌های دور تاکنون رایج بوده و هم اکنون نیز بر تن اکثر بانوان بختیاری و قشقایی ساکن در شهرستانهای سمیرم و شهرضا مشاهده می‌شود.

- پیراهن کلوش: تن‌پوش زنانه‌ای است که از دو قسمت به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

۱- بالاتنه: بلندی بالاتنه به کمر می‌رسد. یقه این لباس گرد یا ایستاده بوده و قسمت بالاتنه آن در وسط سینه دارای سجافی از زیر گلو تا زیر سینه است که معمولاً با دو الی سه دکمه باز و بسته می‌شود.

۲- دامن این لباس به صورت کلوش (دایره) بوده که جهت وصل دامن به بالاتنه، لیفه‌ای روی کمر دوخته و از آن کش رد می‌کنند.

قد پیراهن تا زیر زانو بوده که معمولاً دامن پرچین و بلندی معروف به تمون به زیر آن پوشیده می‌شود. این شکل پیراهن معروف به جوکلوشی (Juvekulosi) از گذشته‌های دور تاکنون رایج بوده و هم اکنون بر تن اکثر بانوان بختیاری ساکن در شهرستان فریدن مشاهده می‌شود.

جنس پیراهن‌های بلند بانوان ایلاتی از چیت‌های الوان، نایلون‌های رنگارنگ، پیچ‌اسکن، تور، کرپ، حریر، پارچه و مخمل و پارچه‌های زری‌دار می‌باشد.

تمون (Tomon) یا زیر جومه یا زیر جُو

تمون بانوان ایلات ساکن در استان عبارت است از دامن‌های پرچین و بلند که قد آنها از کمر تا روی قوزک پا می‌باشد. در این مدل، روی کمر دامن لیفه‌ای دوخته شده و با بندی که از لیفه رد می‌کنند، باز و بسته می‌شود. پارچه مورد استفاده این دامن‌ها ساده یا گلدار بود و هر دامن حدود ۱۰ الی پانزده متر پارچه لازم داشت.

پیراهن ترکی یا راسته و اُریب

تن‌پوشی زنانه که قد بالاتنه آن به کمر می‌رسد. یقه این لباس ایستاده بوده و قسمت بالاتنه آن در وسط سینه دارای سجافی از زیر گلو تا زیر سینه است که معمولاً با سه الی چهار دکمه باز و بسته می‌شود. دامن این تن‌پوش سه ترک (دو ترک طرفین اریب) می‌باشد. قد پیراهن تا زیر زانو بوده که معمولاً شلواری مشکی و یا جوراب زیر آن می‌پوشیدند. این تن‌پوش اکثراً مورد استفاده گروه سنی جوان در مهمانی‌ها و جشن‌ها بوده است.

جنس همه پیراهن‌های بلند؛ کرباس، چیت‌گلدار، پارچه‌هایی با لیاف مصنوعی یا حریر، اطلس و ساتن بود که با توجه به وضعیت معیشتی اشخاص متفاوت بوده است.

پیراهن بانوان ایلات ساکن در استان را نیز باید جزء پیراهن‌های بلند آورد.

- پیراهن راسته چاک‌دار: که در اصطلاح محلی به آن کی‌نک (Keynak / Koynak) یا جومه (Juma) می‌گویند که عبارت است از تن‌پوشی بلند و راسته، دارای دو



روسی، پیراهن راسته، جلیقه، یل، شلیته، شلوار



جنس تمان‌های زیرین از پارچه‌های ارزان‌قیمت (چیت، نایلون‌های الوان، تور) و تمان رویی از پارچه‌های گران‌قیمت (گیپور، حریر، کرب، پیچ اسکن) می‌باشد.

این شکل دامن از گذشته‌های دور تاکنون رایج بوده و هم اکنون بانوان قشقایی و بختیاری ساکن در استان به زیر پیراهن‌های کلوش و چاک‌دارشان تمون می‌پوشند.

ب) پیراهن‌های کوتاه

پیراهن‌های کوتاه نوع دیگری از پوشاک بانوان بود که در گذشته آنها را گاه با دامن‌های پرچین کوتاه و گاه با دامن‌های پرچین بلند (یک پاچه یا دو پاچه) می‌پوشیدند. اینک به شرح هر یک همراه با دامن‌های مورد استفاده می‌پردازیم:

پیراهن راستا یا راسته عبارت بود از پیراهنی دارای یقه‌گرد (با برگردان یا بدون برگردان)، ایستاده یا خشتی با سجافی در جلوی سینه یا پشت گردن که معمولاً با چند دکمه باز و بسته می‌شد. دور یقه، آستین‌ها و سجاف را با نخ‌های ابریشمی سبز، نارنجی، قرمز، آبی و به‌خصوص مشکی گلدوزی می‌کردند. قد این پیراهن تا روی باسن بوده و معمولاً دامن‌هایی کوتاه و پرچین موسوم به شلیته یا تمون قری یا قری زیر آن می‌پوشیدند. پارچه مورد استفاده برای این پیراهن معمولاً ساده (چلوار، متقال) و به رنگ سفید بود.

شلیته (Salite) - بانوان به همراه پیراهن‌های راسته، دامنی به پا می‌کردند که بسیار گشاد بود و دهها چین می‌خورد. قد این دامن تا روی باسن بوده و معمولاً شلوار مشکی از جنس دبیت زیر آن پوشیده می‌شد. این شکل تن‌پوش در اصطلاح محلی، اسامی متعددی چون شلیته [Salite / Selite]. شلته [Salte] - قربند [qerband] داشت. قد شلیته‌ها ۲۵ سانتی‌متر بود (مجموعاً با احتساب ۵ سانتی‌متر کمر به سی سانتی‌متر می‌رسید). این تن‌پوش عرضی چند برابر کمر داشت که هنگام وصل به کمری، دور کمر را به شکل پیلی‌های یک سانتی‌متری می‌دوختند. پارچه این دامن معمولاً ساده (چلوار، متقال، چیت) و به رنگ سفید یا از پارچه گلداز

انتخاب شده و چنانچه از پارچه سفید ساده استفاده می‌شد، کمری و لبه‌های پایین دامن را با نخ‌های ابریشمی قرمز، نارنجی، سبز و به‌خصوص مشکی گلدوزی می‌کردند.

تمون قری یا قری - نوع دیگری از دامن‌های پرچین کوتاه بود که به همراه پیراهن راستا پوشیده می‌شد. قد این دامن تا بالای زانو بوده که معمولاً شلواری مشکی از جنس دبیت زیر آن می‌پوشیدند. در این مدل به کمر دامن لیف‌های دوخته شده بود و با بندی که از آن می‌گذشت بسته می‌شد. پارچه این مدل دامن معمولاً ساده از جنس ساتن، حریر همراه با آستر متقال یا چلووار بوده است. لازم به ذکر است جهت زیبایی، لبه‌های پایین دامن را نوارهای الوان زری دار می‌دوختند.

* پیراهن راستا به همراه یکی از دامن‌های کوتاه (شلیته و تمون قری) در ۵۰-۶۰ سال پیش مورد استفاده بانوان جوان و شیک‌پوش منطقه به‌خصوص طبقه مرفه بود.

پیراهن راسته چاک‌دار

نوع دیگری از پیراهن‌های کوتاه که زنان در گذشته آنها را با دامن‌های پرچین و بلند (یک پاچه یا دو پاچه) می‌پوشیدند؛ عبارت بود از تن‌پوشی با آستین‌های بلند و مچی دار و یقه‌ای گرد همراه با سجافی نصفه در جلوی سینه و دو چاک ده‌سانتی متری در طرفین.

قد این پیراهن تا زیر باسن بود. پارچه مورد استفاده برای این تن‌پوش معمولاً ساده و از جنس کرباس، متقال، چیت، ساتن، اطلس، قلمکار و دبیت انتخاب می‌شد. لبه‌های پایین پیراهن، و اطراف چاک‌های طرفین را برای زیبایی بیشتر با نوارهای زری، نواردوزی می‌کردند.

تمون قرقری یا قردار

(دامن‌های پرچین و بلند) و تمون دو پاچه یا شلوار قردار (دامن شلواری‌های بلند و پرچین) هر دو به همراه پیراهن راسته چاک‌دار پوشیده می‌شدند. در این مدل به کمر دامن لیف‌های دوخته شده بود و با بندی که از لیف می‌گذشت بسته می‌شد. برای هر تمون در حدود هشت تا ده متر پارچه مصرف می‌شد که جهت زیبایی پایین تمون‌ها را نوارهای

زری و سکه می‌دوختند. پارچه مورد استفاده برای تمونها معمولاً همجنس پیراهن انتخاب می‌شد.

لازم به ذکر است در زیر هر یک از این تمون‌ها شلواری کوتاهتر از تمون از جنس چیت یا چلووار استفاده می‌شد. پوشیدن شلواری از جنس چیت یا چلووار در زیر تمون‌ها به‌منظور برجسته نمودن دامن‌ها بود.

- پیراهن راسته چاک‌دار به همراه تمون قرقری یا قردار و تمون دو پاچه یا شلوار قردار در ۷۰-۶۰ سال پیش مورد استفاده بانوان مسن و بانوان طبقات کم‌درآمد بود.

۲-۲. جلیقه

عبارت بود از نیم‌تنه بی‌آستین و بدون یقه که اکثراً آن را از مخمل و آسترش را از پارچه‌های کرباس یا چیت می‌دوختند. این تن‌پوش را در گذشته همه در تمامی فصول زیرکت و روی پیراهن پوشیده و امروز بانوان مسن به روی پیراهن‌هایشان می‌پوشند.

۳-۲. ستم

بانوان استان در فصول سرد به روی همه تن‌پوش‌های خود یل یا آرخالق می‌پوشیدند. یل (Yal): عبارت است از نیم‌تنه‌ای با آستین‌های بلند جلو باز که با چند دکمه باز و بسته می‌شود (اما تعدادی از یل‌ها بدون دکمه بود که تزیینات لباسهای زیرین را نمایان می‌ساخت). یقه یل ایستاده، مثلثی و یا انگلیسی دوخته می‌شد.

آرخالق [arخالق] عبارت بود از نیم‌تنه‌ای کاملاً چسبان و بدون یقه، با آستین‌های بلند و تنگ و سردست‌های سنبوسه‌ای یا ساده.

- جنس یل و آرخالق‌ها اغلب مخمل یا پارچه‌های زری دار بوده که هر دو با پارچه‌های چیت آسترکشی می‌شد. حاشیه و دور آستین‌های این دو تن‌پوش را معمولاً برای زیبایی بیشتر نواردوزی یا گلدوزی می‌کردند.

- امروزه یل‌ها بر تن بانوان روستایی و آرخالق‌ها بر تن اکثر زنان ایلاتی در فصول سرد مشاهده می‌شود. بانوان جهت گرم ماندن در فصول سرد از ژاکت‌های بافتنی و کت‌های آماده بازاری استفاده می‌کردند.

الف) شلوار یا نظامی یا لان‌دار: عبارت است از زیرجامه‌ای کمربندی که کمربند آن با دکمه‌ای در روی شکم باز و بسته می‌شود. جنس آن از دبیت مشکی بود.

ب) شلوار نظام یا نظامی یا زیرتمونی: عبارت است از زیرجامه‌ای لیفته دار اغلب از جنس دبیت، کیش و صدف (نوعی پارچه) یا کرباس رنگ شده، این شلوار در ناحیه کمربند لیفته داشت و با کش یا بند پشمی بر تن استوار می‌گشت.

لازم به ذکر است همه زنان (بجز بانوان ایلاتی) در زیر پیراهن‌های بلند و دامن‌های کوتاه‌شان مانند شلیته یا قریند و تمون قر یا قری یکی از این دو نوع شلوار را می‌پوشیدند.

بانوان روستایی و ایلاتی معمولاً برای درد کمر و یا جلوگیری از آن، شالی از جنس پشمی یا پارچه‌ای به دور کمر خود می‌بندند. شالهای پارچه‌ای یا به صورت نوار و یا به صورت سه‌گوش (پارچه چهارگوشی را سه‌گوش کرده و دور کمر گرفته به طوری که قاعده روی باسن و زاویه اش به سمت پایین قرار گیرد) دور کمر بسته می‌شود. در فصول سرد نیز برای گرم شدن و عدم نفوذ سرما، کاربرد آن را فراموش نمی‌کنند.

هنرهای زنان به روی پارچه

زنان در منطقه برای زینت بخشیدن به لباس، ظریف‌کاریهای خاصی انجام می‌دادند که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

- یراق‌دوزی: با نوارهای نقره‌ای، طلایی و الوان، حاشیه تن‌پوش‌ها را زینت می‌دادند.

- ابریشم‌دوزی: با نخ‌های ابریشمی الوان، طرح‌های مختلفی را به روی لباس‌هایشان گلدوزی می‌کردند.

- منجوق، پولک، سکه و مرواریددوزی: با منجوق و پولک‌های الوان و مروارید، طرح‌های مختلفی را روی پارچه‌ها (مخمل، ترمه و...) می‌انداختند.

همچنین حاشیه تن‌پوش‌ها و سرپوش‌ها را اغلب سکه‌دوزی می‌نمودند.

۳- پاپوش

انواع پاپوش زنان در سطح استان عبارت است از: جوراب، کفش، چاقچور

جوراب

جورابها به دو صورت پشمی (ظریف‌تر از جورابهای پشمی آقایان) و جورابهای نخی که به صورت آماده برای تابستان خریداری می‌شد.

کفش

انواع کفش مورد استفاده بانوان عبارت‌اند از:

گیوه: پاپوشی با رویه نخی، سبک و راحت و با دوام. متداولترین پای‌افزار بانوان در تابستان گیوه بود. (به خصوص پاپوش زنان ایلات ساکن در استان به هنگام کوچ)

گالش: پای‌افزار لاستیکی که مورد استفاده زنان طبقات کم‌درآمد در زمستان بود.

دمپایی: پاپوشی چرمی به شکل نعلین روحانیون (با رویه کوتاه‌تر) اغلب به رنگ قهوه‌ای و مشکی که مورد استفاده بانوان مسن بود.

اُرسی یا کوش (Orosiy / Koş): به دو نوع پاپوش به قرار زیر گفته می‌شود:

- ساغری: عبارت بود از پاپوشی جلو بسته و نوک برگشته (فقط انگشتان پا در آن جا می‌گرفت و بقیه پا بیرون بود) که اغلب مورد استفاده زنان جوان بود. جنس و پوشش درونی از مخمل بود. به ساغری سرپایی اصفهونی نیز می‌گفتند.

- کفش چرمی: عبارت بود از پاپوشی جلو بسته، اغلب با پاشنه‌ای در حدود ۲ الی ۳ سانتی‌متر که بانوان جوان طبقه متمول به پا می‌کردند. کاربرد کفش‌های چرمی بیرون از منزل در زمستان بود.

چاقچور

زنان در پنجاه سال پیش، به هنگام بیرون رفتن از منزل چاقچور به پا می‌کردند. چاقچور پاپوشی بود که از دو بخش به شرح زیر تشکیل می‌شد:

- قسمت بالای آن به شکل شلوار دوخته می‌شد. کمر این پاپوش لیفته‌ای بوده که بندی از آن گذرانده و در روی شکم بسته می‌شد.

- قسمت پایین آن، شامل کفی و رویه بود. بخش کف را کمی بزرگتر از کف پا و قسمت رویه را چندین برابر عرض روی پا تا ناحیه مچ بریده،

سپس بخش رویه را با دادن چین‌های سوزنی، هم‌اندازه کف نموده و تا ناحیهٔ میج پا به آن می‌دوختند. جنس چاقچورها، دبیت مشکی براق یا متقال رنگ شده (به رنگ مشکی) بود. لازم به ذکر است در گذشته به دلیل عدم دسترسی همگان به جوراب، اکثر بانوان به همراه چادرهای کمربندی، چاقچور به پا می‌کردند.

آرایش و زیورها

آرایش مو

زنان برای آرایش گیسوان خود به سه روش زیر عمل می‌نمودند:

- فرقی از میان سر باز کرده و قسمتی از مو را به سمت راست و بخش دیگر را به چپ متمایل کرده و چارقد را بر سر می‌نمودند (در این حالت فقط اندکی از موی جلوی سر پیدا بود).

- در حالت دوم زنان به خصوص جوانها، قسمت کمی از موهای دو طرف صورت را تا زیرگونه چیده و آنها را پیچانده و در کنار گونه‌ها فرو می‌بردند و در حالت سوم موهای چیده شده را زیر چارقد در کنار گونه‌ها آزاد گذاشته و دو عدد گیرهٔ سر در طرفین ابروها می‌زدند. (امروزه فقط خانمهای مسن که چارقد بر سر دارند مانند حالت اول و دوم عمل می‌کنند).

برای هر سه نوع آرایش مو، موهای پشت سر هرگز کوتاه نمی‌شود، بلکه به صورت گیس رشته، رشته (اغلب در حمام) بافته می‌شد.

آرایش موی عروس

کوتاه کردن موی سر از جلو به صورت چتر و از طرفین شقیقه‌ها تا روی گونه نحوهٔ آرایش موی سر عروس بود. بعد از کوتاه کردن موهای جلو و طرفین، کلاه یا چارقد را طوری که موهای کوتاه شده نمایان باشد به روی سر قرار می‌دادند و موهای پشت سر را ریز ریز می‌بافتند. همچنین ضمغ یا به‌دانه را خیسانده و پولکهای ریز و الوانی را به وسیلهٔ شیرهٔ چسبناک آنها روی موهای چتری جلو می‌چسبانند.

آرایش صورت و دست و پا

در گذشته (۶۰-۵۰ سال پیش) زنان با بند انداختن، کرکهای صورت را تمیز کرده و برای روشن کردن پوست به صورت سفیداب می‌مالیدند. سپس جهت سرخی گونه‌ها سرخاب و برای افزونی نور چشم و حالت خوش آن سرمه و برای زیبایی ابروان از وسمه استفاده می‌کردند. این آرایش بیشتر مختص عروس‌ها و خانمهای طبقهٔ مرفه (هنگام رفتن به مهمانی) بود. در غیر این صورت زنان در مواقع روزمره و مهمانی هیچ‌گونه آرایشی نداشتند، فقط ممکن بود جهت زیبایی و ازدیاد نور چشم از سرمه استفاده کنند. امروزه آرایش عروس با اندک تفاوتی مانند سایر نقاط کشور، به سبک جدید می‌باشد، اما بانوان ایلات ساکن استان کماکان مانند گذشته عروس را می‌آرایند.

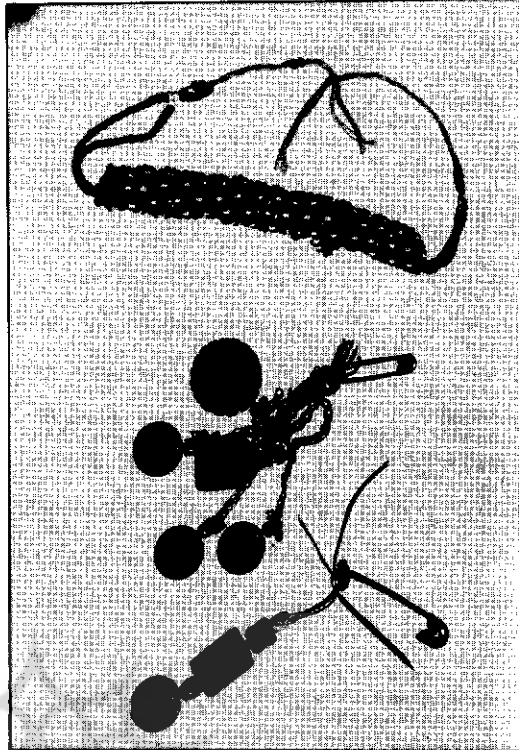
همچنین آرایش دست و پایشان هم به حنا بستن به کف دست و پا و ناخن‌های دست و پا منتهی می‌گشت. این کار مورد علاقهٔ همه در گذشته بود ولی امروزه گروه سنی جوان علاقه‌ای به حنا ندارند.

زیورآلات زنان

۱- زیورآلات مو و سر

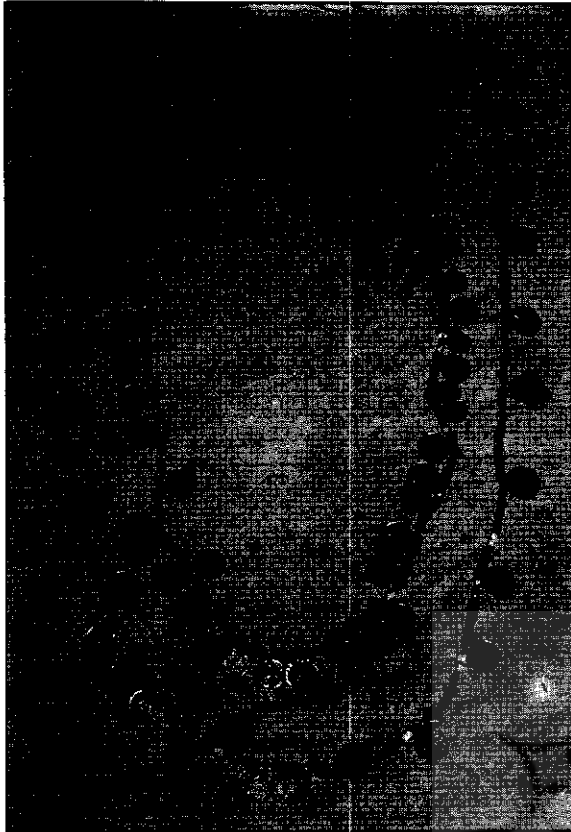
- جهت نگه‌داشتن روبندهٔ عروس به هنگام بردن عروس به خانهٔ داماد، تزییناتی مشتمل بر رشته‌هایی از میخک، منجوق و منگوله‌های رنگارنگ بافته شده را به همراه سنجاق قفلی روی سر می‌زدند. به این تزیین زنان قشقایی گل‌دعا می‌گفتند.

- رشته‌ای متشکل از مهره‌های رنگارنگ و سکه‌های ریز و درشت که زنان بختیاری ساکن استان برای تزیین پشت سر، از آن استفاده می‌کردند. به این صورت که به وسیلهٔ دو سنجاق این بند را طوری که کلاهشان کاملاً معلوم باشد در طرفین سر روی چارقد‌هایشان می‌زدند. به این تزیین زنان بختیاری بند سی زن (bande sizan) می‌گفتند.



↑ زیورآلات گردن بند

← بند سی زن (بختیاری)



۲- زیورآلات گردن و یقه

- زنان از بند کردن منجوق و سنگهای تزئینی براق و مهره‌های رنگارنگ، گردن‌بندی کوتاه و یا بلند تهیه می‌نمودند.

اسامی مهره‌ها به قرار زیر است:

کهریا (مهره‌ای به رنگ زرد سیر)

زردیون (مهره‌ای به رنگ زرد)

عسل و روغنی (مهره‌ای به رنگ کرم و قهوه‌ای)

بی‌بی‌خندان (مهره‌های گندمی شکل سفیدرنگ)

مرجان (مهره‌ای قرمز رنگ)

مورک‌چش (morok caš) مهره‌ای سیاه با خالهای سفید عقیق لازم به ذکر است دانه‌های خوشبوی میخک در زیورآلات بانوان کاربرد بسیار زیادی داشت.

در وسط گردن‌بندها، پلاکی به شکل مستطیل یا مربع یا مدور از جنس سنگ یا فلز قرار می‌دادند.

سنگهای مورد استفاده عبارت بود از سنگ شبق (سنگهای براق مشکی) سنگ دل‌ریا (سنگهای براق جگری رنگ) که روی آنها معمولاً آیات قرآنی «و ان یکاد» حک شده بود.

جهت تزئین یقه، کم و بیش اشرفی‌های ریز و درشت را روی نوار یقه می‌دوختند.

- بانوان به سنجاقی که برای نگه‌داشتن چارقد‌هایشان زیر گلو می‌زدند تزئیناتی شامل رشته‌هایی از مهره‌های رنگارنگ، یا اشرفی‌های ریز و درشت و پلاکهای فلزی گرد و مربع شکل همراه با زنجیر، همچنین رشته‌ای مشتمل بر میخک و منگوله‌های بافته شده، اضافه می‌کردند.

۳- زیورآلات دست

- انگشتری از همه نوع و همه جنس؛ طلایی، نقره‌ای، برنزی و آلیاژی با نگین‌های جور و اجور عقیق، فیروزه، شیشه و مرجان که معمولاً اغلب زنان و دختران نوعی از آن را به دست دارند.

- بعضی از بانوان مهره‌های درشت و رنگارنگ (عقیق، کهریا و زردیون) را بند کرده و به عنوان دستبند به دست می‌کنند.

- النگوهای نقره یا طلا را اغلب به دست می‌کنند.